

# حدیث غم

که از او می‌شود، به حق ره یافت؟!  
کجاست، آن وجه‌الهی  
که

اولیای خدایی  
به سویش روی می‌آورند؟!  
کجاست،

آن‌که سبب اتصال اهل زمین و آسمان  
است؟!  
کجاست،

انتقام جوینده خون

کشته شده در نینوا

□ تا به کی حیران؟!  
تا به کی انتظار؟!  
تا به کی فراق؟!  
به کدام گفتار و کلام  
شما را بستایم؟!  
ای آرزوی مشتاقان  
و ای فرزند نشانه‌های آشکار  
چگونه و با کدامین زبان  
با شما سخن بگوییم؟!  
ای فرزند عادیات  
یابن یاسین؟!  
□ کجایی؟!  
ای فرزند شریف‌ترین مردمان  
و نیکوترین پاکان  
کجایی?!

و چراغ‌های درخشان

که چراغ وجودمان

رو به خاموشی است

کجایی?!

ای زاده شهاب‌های تابان

و ستارگان فروزان الهی

ای فرزند نشانه‌های آشکار

کی?!

بر چشم‌های ما آشکار و هویدا می‌شوی

حدیث دل‌های ما

حدیث غم است

و روایت شوق

طعم لب‌های ما

شهد هجران است

و شوق و وصال

ای موعود انبیاء

و

ای مقصود اولیاء

شود که گوش دل‌هامان،

از غیب

خبر آمدنت را بشنود?!

□ مولا جان

آدینه‌ها که می‌آیند

آینه دل‌هامان را

به عشق آمدنت، جلا می‌بخشیم

و غریبانه، آسمان دل‌های گرفته‌مان را

تسلی می‌دهیم

تا به امید دیدارت

دل‌های شکسته‌مان بشکفتد

دل‌های رویایی‌مان

را در سفر به پایان

شب‌های یلدایی

روانه صراط انتظار می‌کنیم

و مرثیه حسرت دیدار را

زمزمه

آدینه‌های دیگر

تا تو ای وارث ذوالفقار علی بیایی

هرچند:

«من گدا و

تمنای وصل او هیئات

مگر به خواب ببینم

جمال منظر دوست» (حافظ)

□ در تمامی آدینه‌ها

پیشانی‌ام را به نشان

پشیمانی از پلیدی‌ها بر

پاک‌ترین خاک

سرزمین عشق نهاده‌ام

تا ناب‌ترین لحظه‌های هستی

برایم معنا شود

و مشام جان و روحم

معطر به بوی سیب و عطر نرگس

ای گل زیبای نرگس